گفت‌وگو

فرجی‌راد، سفیر اسبق کشورمان در نروژ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ائتلاف ایران و روسیه در سال ۹۴ نبود قطعا دمشق سقوط می‌کرد

عبدالرضا فرجی‌راد، کارشناس مسائل بین‌الملل و سفیر اسبق کشورمان در نروژ در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی ابعاد ماجرای انتشار فایل صوتی ظریف در شبکه ایران اینترنشنال پرداخت و برخی اظهارات و ادعاهای وزیر امورخارجه کشورمان در این فایل صوتی را مورد نقد قرار داد که مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

!!!

برخی معتقدند که انتشار فایل صوتی گفت‌وگوی ظریف، در راستای دوگانه‌سازی سیاست خارجی ناظر به انتخابات پیش‌رو است. از سوی دیگر برخی قائل هستند که این اتفاق از سوی دولت برای حذف ظریف رخ داده است. نظر شما درباره این موضوع چیست و این فایل چگونه از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری به بیرون درز پیدا کرده است؟

دولت برای تدوین تاریخ شفاهی مقدمات چنین مصاحبه‌ای را صورت داد. براین اساس از ظریف و سایر وزرا خواسته شد این مصاحبه‌ها را انجام دهند. فایل گفت‌وگوی ظریف، حاوی موضوعات مهمی بود که نه‌تنها در داخل، بلکه در رسانه‌های خارجی به‌ویژه رسانه‌های فارسی‌زبان نیز بازتاب بسیار زیادی داشت و حتی گفته شد این فایل ابتدا برای رسانه اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی فرستاده شده بود.

این اتفاق می‌تواند چندین عامل داشته باشد؛ عامل اول بحث انتخابات و عامل دوم بحث مذاکرات وین است؛ آنهایی که این فایل را پخش کردند، تحلیل خاص خود را داشتند. درواقع پس از اینکه سیدحسن خمینی از کاندیداتوری انصراف داد، احساس کردند ظریف کاندیدای احتمالی بعدی است و این موضوع برای برخی گروه‌ها حساسیت‌زا بود؛ چراکه برخی در داخل کشور معتقد هستند مذاکرات وین به ضرر منافع ملی کشور است، ازاین‌رو علاقمند نیستند پیش از انتخابات توافقی صورت گیرد و معتقدند این توافق می‌تواند آرا منفی برای طرف‌داران آنها یا افزایش رای رقیب داشته باشد.

فایل صوتی سه‌ساعته ظریف در رابطه با انتخابات رسانه‌جمهوری و مذاکرات وین بوده است و این دو موضوع با یکدیگر ارتباط دارد و به‌صورت جزیره‌ای نمی‌توان آنها را بررسی کرد. از سوی دیگر دسترسی به چنین فایل صوتی‌ای طبیعی است؛ چراکه اگر به‌خوبی محافظت نشود، می‌توان آن را به دست آورد و پخش کرد.

انتشار فایل صوتی ظریف هدفمند و برای تاثیرگذاری روی مردم و شورای نگهبان بود با توجه به اینکه خود ظریف تاکید داشته که این مصاحبه نباید این‌گونه منتشر شود، این فایل چرا و چگونه به دست رسانه‌های خارجی رسید؟ نقش آشنا و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری در درز این فایل صوتی چیست؟ آیا می‌توان خود وزارت خارجه را نیز در این اتفاق دخیل دانست؟

من فکر نمی‌کنم که بخش مشاور ریاست‌جمهوری نقش داشته باشد و وزارت خارجه نیز اگر بخواهد چنین کاری را انجام دهد و فایل صوتی را در این مقطع پخش کند، به ضرر آنها خواهد بود. لذا تصور شخصی من این است که اگر چنین این فایل در این مقطع برای ضربه به ظریف بوده است؛ چراکه توقع عصبانیت بین مسئولان به وجود آورد تا مذاکرات از دست ظریف خارج شود و خود او نیز از دور رقابت‌های انتخاباتی خارج شود تا شورای نگهبان نیز به این موضوع توجه کند؛ البته این صرفا تحلیل بنده است.

اختلاف سلیقه دولت و وزارت خارجه در چندماه گذشته

اما درباره انتشار این فایل صوتی نیز باید این نکته را گفت که رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان در چند سال گذشته موضوعات بسیاری را منتشر کردند که حتی نسبت به آنها محافظت بیشتری صورت می‌گرفت اما ممکن است این فایل به‌صورت چند نسخه در اختیار وزارت خارجه، مصاحبه کننده و دولت قرار گرفته باشد؛ لذا این فایل خیلی هم محرمانه نبوده است. به‌هرحال در آن مقطع باید رابطه مستقیما در اختیار کانال‌های خارجی فارسی‌زبان قرار گرفت، نشان می‌دهد که این موضوع کاملا هدفمند بوده و می‌خواستند بیشتر مردم داخل ایران و مسئولان را تحت‌تاثیر قرار دهند. بنابراین تصور من این است که انتشار این فایل از طرف دولت به نفع آنها نبوده است، هرچند قبول دارم اختلاف سلیقه‌هایی بین دولت در ماه‌های اخیر با وزارت خارجه ایجاد شده اما اساسی نیست و بیشتر به روحیات افراد بازمی‌گردد.

همه سیاست خارجی به دست نیروی قدس نیست

بسیاری معتقدند سیر صحبت‌های ظریف نشان‌دهنده تطهیر ناکامی‌های سیاست خارجی دولت روحانی است و انتشار آن برای این منظور بود؛ حتی اگر ظریف هم قربانی آن باشد؛ چراکه شکست سیاست خارجی دولت را به عهده نیروی قدس سپاه با محوریت حاج‌قاسم سلیمانی گذاشته است. نظر شما چیست؟

من تصور نمی‌کنم که این فایل صوتی بتواند سیاست خارجی دولت روحانی را تطهیر کند؛ چراکه برای همه مشخص است سیاست خارجی دست دولت بود در منطقه و در کشورهایی مانند یمن، عراق، سوریه و لبنان مسائلی داریم که به‌صورت مساوی کار می‌شد، حتی ما در سوریه نیز سفیر از وزارت خارجه داشتیم، ازاین‌رو اگر بخواهیم بگوییم همه سیاست خارجی به دست نیروی قدس است، درست نیست و واقعیت این است که ما می‌بینیم حتی در جاهایی که کار میدانی هم صورت می‌گیرد، وزارت خارجه فعال است؛ حتی درعراق که گرچه سفیری از وزارت خارجه نداریم اما آنها نقش دارند یا در سوریه که سفیر وزارت خارجه حضور دارد، بخش میدانی کار برعهده نیروی قدس است یا حتی در لبنان نیز وزارت خارجه به‌خوبی فعال است، بنابراین نمی‌توانیم بگوییم که دولت به‌دنبال تطهیر خود است؛ درباره مساله برجام نیز این ترامپ بود که از آن خارج شد، درحالی که این یک توافق موفقیت‌آمیز بود و برجام اکنون هم پیش می‌رود. کمااینکه در همین زمینه عراقچی نیز مصاحبه کرده و گفته درباره موضوعات اساسی مانند نفت یا مسائل بانکی موافقت شده و فقط افراد مانده‌اند. لذا به اعتقاد من دولت هم بخشی از برجام متعلق به همه است نه فقط دولت.

شما درحالی معتقدید که وزارت خارجه در منطقه فعال است که سخنان ظریف خلاف این بود و به افکار عمومی اعلام می‌کند که سیاست میدان غلبه دارد و اگر شکستی هم بوده، ناشی از همین است، کمااینکه گفت من خودم را فدای میدان کردم اما آنها این هزینه را برای دیپلماسی ندادند.

من معتقدم در بخش میدانی نیروی قدس دست بالا را داشته و این سیاست نظام بوده و در افغانستان نیز همین‌طور بوده است. اما کار وزارت خارجه نیز کاملا گسترده است، بنابراین طبیعی است در جایی که کار نظامی و امنیتی صورت می‌گیرد دیگر کار وزارت خارجه نیست و لازم است بخش‌های ذی‌ربط در این زمینه کار کنند و تصمیم بگیرند اما آقای ظریف معتقد است که ما نباید در سوریه وارد جنگ زمینی می‌شدیم و می‌گوید تا زمانی که پوتین نمی‌خواست، ما وارد جنگ زمینی نشده بودیم اما وقتی روسیه خواست که نیروی هوایی خود را در سوریه فعال کند، ما نیز برای ورود به جنگ زمینی تمایل نشان دادیم؛ لذا اعتراض ظریف به همین قضیه است، درحالی که این تصمیم نظام بوده و وزارت خارجه نیز باید کار خود را انجام می‌داده است.

اگر نیروهای ارتشی و روسی سال ۹۴ ورود نمی‌کردند، قطعا دمشق سقوط می‌کرد

یکی از مباحثی که ظریف مطرح می‌کند، درباره ورود روسیه است. ظریف به نقل از یکی از مقامات سوریه اعلام می‌کند که سوریه در نیمه ۹۴ از بحران داعش عبور کرده بود، درحالی که اخبار نشان می‌دهد در همان مقطع دوسوم سوریه تحت اشغال داعش بوده است. این موضوع چقدر با واقعیت همخوانی دارد؟

اگر نیروهای ایرانی و روسی وارد نشده بودند، احتمال سقوط دمشق بسیار بالا بود و قطعا دمشق سقوط می‌کرد. البته ظریف به نقل از وزیرخارجه فعلی سوریه است این موضوع را مطرح می‌کند، آنچه مسلم است نزدیک بودن سقوط دمشق بود و سربازان سوریه نیز روحیه خود را از دست داده بودند که در همان زمان نیروی هوایی روسیه وارد این جنگ شد. لذا همکاری روسیه و ایران در آن مقطع باعث ایفاده مستقیما در اختیار کانال‌های خارجی فارسی‌زبان قرار گرفت، نشان می‌دهد که این موضوع کاملا هدفمند بوده و می‌خواستند بیشتر مردم داخل ایران و مسئولان را تحت‌تاثیر قرار دهند. بنابراین

اظهارات مشکوک ظریف و انتشار آن با اهداف انتخاباتی مخاطرات فراوانی برای منافع ملی دارد

علیه ایران

فرهیختگان نه افشای فایل صوتی گفت‌وگوی سه‌ساعته محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در یک رسانه وابسته به رژیم سعودی غافلگیر کننده بود و نه اظهاراتی که او در این گفت‌و گو- به‌جز یک مورد- بر زبان آورده بود. در چندسال گذشته از دست اتفاقات که از درون مجموعه‌های دولتی، اساسا محتمل‌تر شده به بیرون از کشور در داده می‌شود تا از آن علیه منافع ملی ایران بهره‌برداری شود، بسیار افتاده است. گفته می‌شود بخشی از اطلاعات منتشرشده در کانال تلگرامی آمندبوز؛ از همین مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری که فایل صوتی ظریف از آن به بیرون درز پیدا کرده و به دست رو‌ح‌الله زم رسیده است. اما جدا از این، اظهارات ظریف نیز غافلگیرکننده نبود؛ چراکه او و جریان دولت در هشت سال گذشته، جز آنچه او در ششم اسفندماه ۹۹ گفته است را نگفته‌اند. اما با این حال یک بخش از آنچه ظریف در این فایل صوتی گفته، بسیار غافلگیر کننده و آن هم مربوط به سردار شهید قاسم سلیمانی بود. رد آنچه ظریف گفته را نه می‌توان در رسانه‌های داخلی، نه رسانه‌های ضداتفاق خارجی و نه حتی آنهایی که آنالی نشینان و عزادارانی عزیز سردار شهید سلیمانی یافت. او در بخشی از این گفت‌وگو تلویحا دیگر زیر سایه سلیمانی را از تحولات میدانی در صحنه جنگ سوریه، زیر سایه نیروی هوایی روسیه و به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویی سردار سلیمانی، ابزاری برای برهم زدن دستاورد ظریف و وزارتخانه‌اش یعنی برجام بوده است. او اگرچه در این گفت‌وگو تلاش کرده تا برای مخاطب، اینگونه القا شود که روس‌ها از مخالفان سرسخت جواد بوده‌اند، اما در توجیه این گزاره، سردار سلیمانی و اقدامات را زیر سوال می‌برد. ظریف گفته که سردار سلیمانی بهمن۹۳ و در شرایطی «سخت» درخواست سفر به مسکو را مطرح کرده بود، اما روس‌ها در تیر ۹۴ قاسم سلیمانی را دعوت کردند به مسکو برود. او به نقل از قائم‌مقام وزیر خارجه سوریه گفته که در آن زمان دیگر سوریه را از اوضاع سخت‌کننده قبلی فاصله گرفته بود. ظریف گفته که اراده روسیه آن بود که دستاورد وزارت خارجه ایران را نابود کند و بر همین اساس روس‌ها سردار سلیمانی را به مسکو دعوت کرده بودند. ظریف اتفاقات ۶ماه بین نهایی شدن برجام تا به اجرا درآمدن آن را عواملی دانسته که قرار بود برجام نشود و گفته که «یعنی از تیرماه ۱۳۹۴ تا دی آن سال. آخرین این اتفاقات حمله به سفارت عربستان و گرفتن دو کشتی آمریکایی بود. اولینش سفر سردار سلیمانی به روسیه بود، ۰ مشخص نیست چگونه به حرف قائم‌مقام وزیر خارجه سوریه استناد می‌کند، ولی از خود این سوال را نمی‌پرسد که آیا فرمانده میدانی سوریه به اندازه قائم‌مقام وزیر خارجه سوریه، شناخت واقعی از تحولات سازی می‌تواند که به‌دنبال حضور روس‌ها در سوریه بوده؟ است؟ حتی اگر در عالم واقع چنین فردی با چنین جایگاهی به ظریف اطلاعات نادرست داده باشد، چگونه وزیر خارجه از تحولات سوریه اینقدر غافل است که نمی‌داند وضعیت سوریه در سال ۹۴ به چه شکل بوده است؟

صرف‌نظر از ادعاهای اینچنینی که در این گزارش به آنها پاسخ داده شده است، چگونگی در از این گفت‌وگو به عنوان یک سند محرمانه نظام، به خارج از کشور است. از عصر روز یکشنبه که این فایل صوتی در یک شبکه وابسته به سعودی منتشر شد، این اصلی‌ترین سوالی بود که همه به‌دنبال پاسخ آن بودند. در یک روزی که از این اتفاق می‌گذرد، گمانه‌های زیادی درباره آن زده شده است، اما به هر شکل، این اتفاق را جزء سه اتفاق امنیتی قابل تحقق نیست:

۱- تولید کننده این اثر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری به ریاست حسام‌الدین آشنا یکی از چهره‌های امنیتی دولت حسن روحانی است. طبیعی است که باتوجه به سوابق این مرکز احتمال نخست درباره در این اطلاعات به بیرون کشور، همین مرکز باشد.

۲- دومین مجموعه‌ای که در تهیه این سند نقش داشته، وزارت امور خارجه است. اگر این فایل صوتی به جرگ مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، به وزارت امور خارجه نیز راه یافته باشد، این احتمال وجود دارد که از این مجموعه به خارج درز کرده باشد.

۳- سومین حالت، وجود یک نفوذی در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری یا وزارت امور خارجه است. یکی از این هم در وزارت خارجه و هم در مرکز بررسی‌های استراتژیک افرادی به اتهام جاسوسی دستگیر شده‌اند. یکی از جاسوس‌ها عبدالرسول فری‌اصفهانی بود که به اتهام ارتباط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بود و درکنار فروش اطلاعات مذاکرات با ۵+۱ به برخی کشورها، با استفاده از ساعتش از جلسات قیلمبردار نیز می‌کرد. شاید خوشبینانه‌ترین حالت، حالت سوم یعنی نشت اطلاعات بدون افراد سیسته‌نویم باشد. اگر غیر از این حالت باشد، به‌طور حتم یک اراده سیاسی پشت این افشاگری وجود داشته است. این اراده سیاسی در قالب همان دو حالت نخست قابل تعمیم است. اگر وزارت خارجه و شخص ظریف در پی این ماجرا باشند، معنای این کار به‌جز خودزنی نیست و عاقلانه نیست که وزیر امور خارجه قصد چنین کاری را داشته باشد. اما اگر این فایل ازطریق سیستم مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری به بیرون درز کرده باشد، مساله کمی پیچیده‌تر خواهد شد. حسام‌الدین آشنا، مرد عملیات رایزنی دولت روحانی یک کاری است که بسیار از افشای این اطلاعات ناگواه‌ها به او دوخته شده است. افشاگران این فایل اگر ازسوی مرکز دست به چنین اقدامی زده باشند، دو هدف اساسی داشتند: اول اینکه محمدجواد ظریف را در سیاست داخلی به‌طور کامل نابود کنند و دوم اینکه سیاست خارجی را به مساله انتخابات ریاست‌جمهوری گره بزنند. به‌هرحال در روزها و هفته‌های آینده این فایل صوتی، در فضای رسانه‌ای گسترد جولان خواهد داد و آنرا بر اساس گفته‌های ظریف یک دوگانه‌سازی «میدان- دیپلماسی» شکل خواهد گرفت. آنچه نگرانی ما درباره این فایل و ماهیت آن را تشدید می‌کند، شیوه گفت‌وگوی آن است. این مصاحبه بخشی از یک پروژه بزرگ به اسم تاریخ شفاهی دولت اعتدال است که براساس آن با وزرای مختلف گفت‌وگوهایی صورت گرفته است تا اقدامات دولت فعلی ثبت شوند. اما درعمل کل گفت‌وگو با ظریف متفاوت از ماهیت یک پروژه تاریخ شفاهی است و این گونه احساس می‌شود که این مصاحبه برای روزها، هفته‌ها یا حداکثر ماه‌های بعد تهیه شده است. به‌عنوان مثال، اشاره سعید لیلاز مجری برنامه به اینکه «این ۱۰ میلیون روی رای شما اثر می‌گذارد؛ جز انتخابات ۱۴۰۰ کارکرد دیگری دارد؟ اگر این گفت‌وگو بخشی از یک پروژه تاریخی است، به‌طور طبیعی به نقش مسائلی ارتباط پیدا نمی‌کند. چنین اتفاقاتی در مصاحبه، ماهیت پروژه را زیر سوال می‌برد و این موضوع رابه ذهن متبادر می‌کند که این مصاحبه بیش از آنکه تاریخ‌نگاری باشد، یک پروژه انتخاباتی و سیاسی است. مساله دیگر جنس سوالات مصاحبه‌کننده و نوع ادبیات اوست. اگر مصاحبه‌کننده بداند در یک پروژه تاریخ شفاهی درحال نقش‌آفرینی است، از شوخی‌های بین‌برخی که در سراسر گفت‌وگو موج می‌زند و حتی مانع بیان برخی مسائل ناگفته می‌شود، پرهیز می‌کند. طبیعی است که برای انجام یک پروژه مرتبط با تاریخ، مصاحبه‌کننده باید آگاه باشد، اما به‌نظر نمی‌رسد در این گفت‌وگو سعید لیلاز توجیه باشد که این پروژه تاریخ‌نگاری است نه یک مصاحبه با خوش‌بوش دوستانه.

سعید لیلاز، استاد گروه تاریخ دانشگاه شهیدبهشتی است، ولی نوشته‌های اقتصادی نیز در رسانه‌ها دارد. پدری وی بیش‌تر روزنامه‌نگار بوده و او نیز از جوانی کار خود را در دهه ۱۳۶۰ با روزنامه‌های مدرن مانند اطلاعات به مدیرمسئولی محمود دعایی و بعدها اصلاح‌طلبان آغاز کرده است. باوجود شخصیت دوگانه تاریخی-اقتصادی بودن لیلاز او به‌دلیل ارتباط با احزاب و دولت‌ها وارد یک دانشگاه دولتی شده و نظرات اقتصادی او نیز توسط روزنامه‌های «طیف منتشر شده است. او اگرچه پیشینه علمی قابل توجهی ندارد، اما از مرداد سال ۱۳۹۷ نیز در شغلی غیرمرتبط با حوزه‌های کاری‌اش به‌عنوان قائم‌مقام مدیرعامل ایران‌خودرو دیزل در بازاریابی، فروش و خدمات منصوب شد و هم‌اکنون نیز این مسئولیت را دارا است. نکته مهم درباره سپردن پروژه تاریخ شفاهی دولت به لیلاز سطح تخصص است. لیلاز که به گروه‌های سیاسی همانند کارگزاران سازندگی نزدیکی دارد، از جریع تخصصی در رابطه با سیاست خارجی برخوردار نیست و به چند دلیل جایی مانند مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری که دارای متخصصان زیادی است، مصاحبه‌ای تخصصی با ظریف را برعهده فردی مانند لیلاز قرار داده است؟ اگر قرار بوده فرد مصاحبه‌کننده نتها نوار پر کند که چه دلیلی به حضور فردی سیاسی مانند لیلاز بوده است و اگر قرار بوده تا سوالات جزئی شوند، در مسائل مطرح‌شده لیلاز چه تخصصی داشته است؟

نکته دوم آنکه آیا فردی رسانه‌ای مانند لیلاز یا اساسا فردی شبکه‌ای باید وظیفه ضبط مسائل محرمانه دولتی در سطوح بالا را دراختیار داشته باشد؟ در این مصاحبه‌ها از کارشناسان خبره موجود در نهادهای دولتی که مورد اعتماد بوده و رسمی هستند استفاده نشده، بلکه از فردی هستند لیلاز که سیاسی، حزبی و دارای ارتباطات رسانه‌ای است، استفاده شده است. این درحالی است که لیلاز با این ویژگی‌ها تا چندماه دیگر در نهادهای دولتی نخواهد بود، اما متخصصان موجود در نهادهای دولتی افرادی رسمی،

ادامه در صفحه ۷

ادامه از صفحه ۲

متخصص و غیررسانه‌ای هستند. اینها ابهاماتی است که در پس این پروژه خودنمایی می‌کند.

از برجام قوی تا برجام شکننده

بررسی تمام آنچه وزیر امور خارجه در این گفت‌وگوی محرمانه! و تاریخ‌نگاری! مطرح کرده، نیازمند زمانی بسیار طولانی است اما می‌توان با کندوکاو در بخشی از این گفت‌وگو، درباره اصالت سایر سخنان او نیز تصمیم‌گیری کرد. در بخشی از این گفت‌وگو، محمدجواد ظریف، از تلاش‌ها برای شکست برجام سخن می‌گوید. او نوشتن شعار اسرائیل باید نابود شود، اتفاقات با روسیه [سفر سردار سلیمانی به روسیه] و مابعدش، اتفاقاتی که در منطقه افتاد، ماجرای سفارت عربستان و دستگیری ملوانان آمریکایی را مجموعه اتفاقاتی دانسته که «انجام شد که برجام نشود.» او درحالی در آخرین روزهای سال ۹۹ چنین جملاتی را بیان می‌کند که ۵ سال قبل و در میانه مرداد ماه ۹۴ در شورای راهبری روابط خارجی، تصویر دیگری را از برجام برای اساتید روابط و حقوق بین‌الملل ترسیم کرده بود. در آن جلسه، ظریف در پاسخ به سوالی درباره اینکه فردی در آمریکا کاندیدای انتخابات شده که گفته پس از پیروزی، از برجام خارج خواهد شد. آیا الزامی برای اجرای تعهدات طرف مقابل وجود دارد، گفته بود: «رئیس‌جمهور بعدی می‌خواهد تحریم‌ها را با یک امضا برگرداند. خوب برگرداند. چه کسی در دنیا اجرا می‌کند؟ این آمریکا قدرتمندتر از آمریکای دهه ۹۰ نیست.» او در بخشی دیگر تاکید می‌کند که حتی آمریکا بخواهد هم نمی‌تواند از برجام خارج شود «نمی‌تواند. این کار را بکند. من به شما اطمینان می‌دهم آن مبنای مقبولیتی‌اش نابود می‌شود. همین الان شده است.» این اظهارات ظریف در آن جلسه درحالی مطرح می‌شد که یک هفته قبل از آن، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در پاسخ به این سوال که آیا رئیس‌جمهور بعدی ملزم به اجرای این توافق است؟ پاسخ منفی داده و گفته بود برجام توافق خیلی خوبی است و چرا دولت بعدی نباید آن را اجرا کند.

اوضاع سوریه در سال ۹۴

در بخشی از توضیحات ظریف درباره تلاش برای نابودی برجام، او نقش روس‌ها را برنرنگ کرد و دعوت از سردار سلیمانی برای سفر به مسکو و سوخت‌گیری جنگنده‌های روسی در فرودگاه همدان را نیز در این چارچوب تحلیل کرد و گفت: «من از وزیر خارجه کنونی سوریه -که تا چند وقت پیش قائم‌مقام بود- یک‌بار که در فرودگاه به پیشواز آمده بود، سوال کردم و گفتم آیا در تیر و مرداد ۹۴ هنوز شرایط شما شکننده بود؟ گفت نه ما [از شرایط شکننده] عبور کردیم.» او ادامه می‌دهد: «یعنی روس‌ها بعد از اینکه نیاز ما مرتفع شد، بود، آقای سلیمانی را به مسکو دعوت کرده بودند.» بررسی این ادعا چندان کار مشکلی نخواهد بود. کافی است کمی به عقب بازگردیم تا ببینیم در وضعیتی که ظریف به نقل از قائم‌مقام وقت وزیر خارجه سوریه در این گفت‌وگو تشریح کرده، چقدر با واقعیت میدانی تطابق دارد؟ روسیه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ (۸ مهر ۹۴) وارد نبرد سوریه شدند. چند ماه قبل در اواخر اسفند ۹۳، شهر ادلب را پس از ۶ روز نبرد سنگین، با مساعدت و مدیریت سوریه، اطلاعاتی ترکیه، سقوط می‌کند و به دست جبهه النصره درمی‌آید. در ادبیه‌شدت مبانع خبری عربی گزارش دادند که ورود ارتش سوریه چندان مناسب نیست و یکی پس از دیگری مصلح شکست‌های سنگینی شده است و پس از شکست در استان ادلب در منطقه «سهل الغاب» در نزدیکی شهر حماه نیز مجبور به عقب‌نشینی شده بودند. دیده‌بان حقوق بشر سوریه وابسته به مخالفان سوری در همان زمان گزارش داد که «نوعی حالت هیستریک در میان نیروهای سوری به‌دلیل شکست‌های اخیر به‌وجود آمده و واکنش آنها در برابر مخالفان جبهه احساسی و عصبانیت به خود گرفته است» به گونه‌ای که بیش از ۳۰ بشکه انفجاری را به شمال غرب حماه پرتاب کرده‌اند.» ۳ ماه بعد در مرداد ۹۴ یعنی یک ماه بعد از برجام، آمریکا یک گروه تروریستی جدید تحت عنوان «نیروی حماه جدید» را وارد نبردهای میدانی سوریه کرد. اوضاع چنان در آن مقطع سخت شد بود که بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در سخنانی نخستین‌بار از فرسایش نیروهای سپاه این کشور در جریان جنگ خبر داد و تاکید کرد که به همین دلیل، از این پس احتمالا اولویت ارتش سوریه، حفظ مناطق مهم‌تر خواهد بود. گزارش‌ها در مهرماه سال ۹۴ حاکی از آن است که علاوه‌بر استان ادلب که در تصرف جبهه النصره بود، داعش استان‌های «رقه» و «دیرالزور» را تصرف کرده بود و حضور گسترده‌ای در استان «حسکه» داشت. علاوه‌بر این، داعش شهر «تدمر» یا «پالمیرا» را تصرف کرد و در جنوب این حرکت به سمت کمپ «یروک» نزدیک شهر «دمشق» پیشروی می‌داشت. مجموع گزارش‌های یک داعش از حضور در سوریه و عراق در تصرف قدرت، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد تخمین زده می‌شد. در همان زمان داعش در عراق نیز بین ۳۰ تا ۳۵ درصد خاک این کشور را در اختیار داره. مشخص نیست روایت ظریف به نقل از قائم‌مقام وزیر خارجه سوریه، تا چه اندازه درست است، اما به‌طور حتم چنین وضعیت یعنی تسلط جدی بر ۴۰ درصد خاک سوریه، تسلط جبهه النصره بر استان ادلب و تسلط کردها بر مناطق کردنشین، نشان می‌دهد حداقل سوریه از بحران عبور نکرده است. نه‌تنها در سال ۲۰۱۵ که یک‌سال بعد یعنی اول سپتامبر ۲۰۱۶، داعش همچنان قدرتمند بود و تنها در برخی مناطق تحت کنترل خود در رقه، حلب، حسکه، دیرالزور و حمص عقب‌نشینی کرده بود.

چرایی عبور جنگنده از آسمان ایران

در بخشی دیگر ظریف می‌گوید: «چرا روسیه درحالی که می‌توانست از روی مدیترانه خاک سوریه را بزند از روی ایران زد؟ چرا هواپیماهای روسیه از روی ایران پرواز کردند. این اتفاق‌ها همه مال بعد از برجام است.» برای بررسی اظهارات ظریف باید بحث بمباران‌های هوایی روسیه در سوریه را به چند بخش تقسیم کرد. نخست مساله هواپیماهای نظامی مورد استفاده قرار گرفته از سوی مسکو برای بمباران خاک سوریه است. روسیه در این بخش از دو مدل بمب‌افکن شامل بمب‌افکن‌های سنگین و سبک استفاده کرده است. بمب‌افکن‌های سنگین روسیه tu-22m3 بودند که دارای ابعاد بزرگی هستند. همچنین روسیه در قسمت بمب‌افکن‌های سبک از su-34 و su-24 استفاده می‌کرد. برای راستی‌آزمایی اظهارات وزیر امور خارجه باید به توضیح ویژگی‌های این بمب‌افکن‌ها و نحوه استفاده از آنها در جنگ سوریه پرداخت.

بمب‌افکن‌های tu-22m3 دارای بیشترین برد ۷۳۰۰ کیلومتر به شکل «برد انتقالی» هستند. برد انتقالی به‌معنی پرواز هواپیما از مبدا بدون سلاح و نشستن در مقصد است. در برد انتقالی قرار نیست هواپیما به مبدا بازگردد. این بمب‌افکن در سنگین‌ترین لود تسلیحاتی می‌تواند همچنان تا وزن ۲۱ تن را حمل کند که برد انتقالی آن را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. اما در عملیات‌های نظامی این «شعاع عملیاتی» است که دارای اهمیت است. برای تعیین شعاع عملیاتی یک جنگنده و یا بمب‌افکن میزانی از مهمات را تعیین می‌کنند که این هواپیما می‌تواند آن را به بالای سر هدف رسانده و سپس به پایگاه مبدا بازگرداند. وزن مهمات در چنین محاسباتی معمولا کمتر از وزن بیشترین سلاح قابل حمل تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان گفت اگر سنگین‌ترین لود تسلیحاتی tu-22m3، ۲۱ تن باشد، برای تعیین شعاع عملیاتی وزن عرفی مهمات قابل حمل در یک عملیات توسط این بمب‌افکن ۱۵ تن تعیین می‌شود. با این میزان مهمات نیز بمب‌افکن برد انتقالی‌اش از ۷۳۰۰ کیلومتر به ۶۰۰۰ هزار کیلومتر می‌رسد. اگر بمب‌افکن بخواهد به مبدا بازگردد برای به‌دست آوردن شعاع عملیاتی، برد انتقالی با میزان مهمات استاندارد تقسیم بر دو می‌شود. اینگونه شعاع عملیاتی بمب‌افکن tu-22m3 با حمل میزان استانداردی از مهمات ۳ هزار کیلومتر است. این بمب‌افکن‌ها برای پرواز و لود تسلیحاتی دارای شرایط خاصی هستند که در همه پایگاه‌های نظامی شرایط آن فراهم نیست به همین دلیل روسیه این بمب‌افکن‌های سنگین را در خاک سوریه مستقر نکرد. اما درمقابل بمب‌افکن‌های سبک su-34 و su-24 در پایگاه هوایی حمیمیم در لاذقیه مستقر شده و از داخل خاک سوریه در این کشور عملیات انجام می‌دادند. این بمب‌افکن‌ها وظیفه انهدام اهدافی را داشتند که برای مورد اصابت قرار دادن آنها، دقت زیادی مورد نیاز بود. اما بمب‌افکن‌های سنگین در برای بمباران‌های فرشی و غیردقیق مورد استفاده قرار می‌گیرند تا اهداف بزرگ برای پایداری خسارات‌های عظیم مورد اصابت قرار گیرند.

مشکل اما از اینجا آغاز می‌شد که بمب‌افکن‌های راهبردی tu-22m3 امکان استقرار در سوریه را نداشتند و باید عملیات خود را از نزدیک‌ترین پایگاه‌های موجود انجام می‌دادند. برای این اقدام دو مسیر وجود داشت؛ مسیر شمالی که از روسیه آغاز شده و به دریای سیاه رسیده و از سمت شمال سوریه وارد این کشور می‌شد. مسیر دوم نیز مسیر شرقی بود که بمب‌افکن از روسیه برخاسته و با گذر از ایران از سمت شرق سوریه وارد این کشور می‌شد. مسیر شمالی به‌دلیل حضور کشورهای عضو ناتو نفوذناپذیر بود. بمب‌افکن‌های روسیه برای رسیدن به سوریه باید از فراز خاک ترکیه و یونان عبور می‌کردند که این عبور ناممکن بود. حتی اگر این دو کشور عضو ناتو نیز نبودند فشارهای غرب مانع از همکاری آنها در راه بمباران سوریه می‌شد. اگر بمب‌افکن‌های tu-22m3 قصد داشتند بدون ورود به حریم هوایی ترکیه و یونان اهدافی را در سوریه مورد اصابت قرار دهند باید از مشکل عبور کشور استفاده می‌کردند که آنها نیز درنهایت راه‌بسته می‌شد و سوریه باید از فراز خاک ترکیه و یونان عبور می‌کردند. مساله‌ای که به‌وضوح ایران‌بلیز نبود، زیرا به‌جز حق شکایتی که ترکیه و یونان علیه روسیه پیدا می‌کردند، روابط این دو کشور و غرب با روسیه به شدت متشنج می‌شد و حتی احتمال داشت تا استقرار تجهیزات لازم موشک‌های کروز شلیکی توسط روسیه را ساقط کند. معمولا موشک‌های کروز دوربرد مورد استفاده از بمب‌افکن‌ها به‌دلیل ابعاد بزرگ، پرواز در ارتفاع بالا و همچنین فروسوت بودن توسط سامانه‌های پدافندی در میانه مسیر قابل شناسایی هستند و حتی می‌توان آنها را با استفاده از جنگنده‌ها رهگیری و نابود کرد. حتی اگر این دو کشور اجازه استفاده از حریم هوایی خود برای عبور موشک‌های کروز را می‌دادند و یا درفرض آن سکوت می‌کردند برای عملیات در سوریه باید موشک‌های کروزی با برد تقریبی ۱۰۰۰ کیلومتر مورد استفاده قرار می‌گرفتند که این مساله نیز دارای مشکلاتی بود. حداکثر وزن کلاهک چنین موشک‌های کروزی ۳۰۰ کیلوگرم است. قیمت هریک از این موشک‌های کروز نیز در کمترین حالت بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون دلار است. این درحالی است که اگر به‌جای موشک کروز، از بمب‌های سقوط آزاد سنگین ۲۵۰ کیلویی یا ۵۰۰ کیلویی استفاده شود، ۱۵ تن بمب با هزینه زیر ۱۰۰ هزار دلار بر سر هدف ریخته می‌شود، اما درصورت استفاده از موشک کروز، کلاهک ۳۰۰ کیلوگرمی آن، که ۵۰ برابر کمتر از ۱۵ تن بمب مورداستفاده در بمباران فرشی وزن دارد، با هزینه بین ۵۰۰ تا یک میلیون دلاری باید صرف هدف شود. در بمباران فرشی هر ۳۰۰ کیلوگرم مهمات با هزینه ۲ هزار دلار و در موشک کروز با یک میلیون دلار به هدف اصابت می‌کند، تقریبا شکافی ۵۰۰ برابری میان این دو وجود دارد. همچنین موشک کروز تنها یک هدف را می‌زند ولی در بمباران هوایی می‌توان چندین هدف مجزا را مورد اصابت قرار داد. با این تعریف اتاق مشترک متحدین تصمیم گرفت بمب‌افکن‌های tu-22m3 با لود سنگین وارد ایران شده و پس از سوخت‌گیری مجدد در پایگاه هوایی شهید نوژه همدان به‌سمت سوریه پرواز کنند. دلیل توقف این بمب‌افکن‌ها در ایران نیز نیازشان به سوخت‌گیری به‌دلیل مسافت زیاد و وزن بالای تسلیحات بود. خرده‌ای که ایران در این میان از روسیه گرفت پخش شبطنت‌آمیز خبر استقرار این بمب